

بررسی علل موارد مغایرت استانداردهای بین‌المللی حسابداری مالیات بر درآمد با قوانین مالیاتی در ایران

سیامک رحیمی‌نژاد

گروه مدیریت، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Siamakrahiminejad1347@gmail.com

چکیده

در دنیای امروز که اقتصاد جهانی به سطحی فراتر از «دهکده جهانی» رسیده و به یک «ابرشهر مالی» تبدیل شده است، نیاز به یک زبان مشترک مالی برای تسهیل مبادلات تجاری و شفافیت اطلاعات مالی بیش از پیش احساس می‌شود. حسابداری به‌عنوان این زبان مشترک، نقشی کلیدی در ایجاد شفافیت و پاسخگویی مالی ایفا می‌کند. در ایران، اگرچه مالیات بر فعالیت‌های اقتصادی قدمتی طولانی دارد، اما چالش‌هایی مانند فرار مالیاتی همچنان وجود دارد که ناشی از تلقی مالیات به‌عنوان خراج دولتی و نبود فرهنگ مالیاتی مناسب در میان عامه مردم است. با این حال، پس از توافق برجام، لزوم پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، به‌ویژه در حوزه مالیات بر درآمد و نحوه افشای آن، اهمیت بیشتری یافته است. پیش از سال ۱۳۸۰، صورت‌های مالی در ایران عمدتاً بر مبنای قوانین مالیاتی تهیه می‌شدند، اما با اجباری شدن اجرای استانداردهای حسابداری، شرکت‌ها ملزم به ارائه گزارش‌های مالی مطابق با این استانداردها شدند. از آنجا که اهداف استانداردهای بین‌المللی حسابداری و قوانین مالیاتی متفاوت است، بروز مغایرت بین این دو نظام امری طبیعی به نظر می‌رسد. این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد این مغایرت‌ها در ایران انجام شده و تلاش می‌کند راهکارهایی جهت کاهش این اختلافات ارائه دهد. نتایج آزمون تی نشان داد که سطح معنی‌داری تمامی فرضیه‌های تحقیق برابر با $\text{sig} = 0.000$ است که نشان‌دهنده ارتباط معنادار میان موانع مختلف و پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران است. به‌طور خاص، عدم آموزش کافی با میانگین ۳.۹۵، نبود رقابت با میانگین ۳.۸۲، تفاوت در ساختارهای قانونی و حقوقی کشورها (با میانگین ۴.۱۲)، تأکید ناکافی بر شرکت‌های کوچک در تدوین استانداردها با میانگین ۳.۷۶ و هزینه‌های بالای پیاده‌سازی IFRS با میانگین ۴.۰۵ از جمله مهم‌ترین موانع شناسایی شده در این پژوهش هستند. بر این اساس، تقویت تعامل میان سازمان حسابرسی به‌عنوان نهاد تدوین استانداردهای حسابداری و سازمان امور مالیاتی کشور به‌عنوان مرجع تدوین مقررات مالیاتی، می‌تواند به کاهش مغایرت‌ها و حل بسیاری از مشکلات میان مؤدیان مالیاتی، سازمان امور مالیاتی و حسابرسان مستقل کمک کند.

واژه‌های کلیدی: گزارشگری مالی، قوانین مالیاتی، مغایرت با استانداردها، IFRS

مقدمه

جهانی شدن اقتصاد و توسعه سریع بازارهای مالی، همراه با افزایش پیچیدگی فعالیت‌های تجاری و مالی شرکت‌ها، ضرورت ارائه اطلاعات مالی قابل اعتماد و شفاف را بیش از پیش برجسته کرده است. در سال‌های اخیر، رسوایی‌های مالی و بحران‌های اقتصادی، توجه محققان، ناظران و سرمایه‌گذاران را به کیفیت صورت‌های مالی و نقش حیاتی حسابرسان جلب کرده است. حسابرسان با ارائه گزارش‌های مستقل و اطمینان‌بخش، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران، ارتقای اعتماد عمومی و بهبود یکپارچگی بازارهای

مالی می‌شوند. کیفیت حسابرسی به مجموعه‌ای از عوامل شامل استقلال حسابرس، تخصص و دانش حرفه‌ای، کنترل‌های داخلی، استفاده از روش‌های تحلیلی مناسب و رعایت استانداردهای حسابداری و حسابرسی وابسته است و ارتباط مستقیمی با صحت، شفافیت و قابلیت اعتماد اطلاعات مالی دارد.

در این میان، هماهنگی بین استانداردهای بین‌المللی حسابداری و قوانین مالیاتی ملی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا هرگونه مغایرت می‌تواند موجب کاهش شفافیت، ایجاد ابهام در گزارشگری مالی، افزایش اختلافات میان مؤدیان و سازمان امور مالیاتی و پیچیدگی در فرآیندهای حسابرسی و تصمیم‌گیری اقتصادی شود. استاندارد بین‌المللی حسابداری مالیات بر درآمد (IAS 12) چارچوبی جهانی برای شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری مالیات ارائه می‌دهد و به بنگاه‌ها کمک می‌کند تا تأثیرات مالیاتی را به‌طور شفاف در گزارش‌های مالی منعکس کنند. در مقابل، قوانین مالیاتی ایران مبتنی بر سیاست‌ها و مقتضیات ملی تدوین شده و در برخی موارد، با اصول و روش‌های استانداردهای بین‌المللی هماهنگی ندارد. اختلافات عمده شامل تفاوت در روش شناسایی و اندازه‌گیری درآمد و هزینه‌ها، پذیرش یا عدم پذیرش مالیات معوق، تفاوت در محاسبه استهلاک دارایی‌ها و محدودیت در شناسایی برخی هزینه‌ها است. این تفاوت‌ها، علاوه بر افزایش ریسک اشتباه یا تحریف اطلاعات مالی، موجب پیچیدگی فرآیندهای حسابرسی و مالیاتی و کاهش قابلیت اتکای گزارش‌های مالی می‌شوند. با توجه به اهمیت شفافیت مالی و نقش حیاتی اطلاعات مالی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، بررسی علل و ابعاد مغایرت‌های بین استانداردهای بین‌المللی حسابداری و قوانین مالیاتی ایران، ضروری و بااهمیت است. این پژوهش با هدف شناسایی علل این مغایرت‌ها و ارائه راهکارهایی برای بهبود هماهنگی و کاهش اختلافات، تلاش می‌کند تا زمینه ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و حسابرسی مالیاتی در ایران را فراهم کند.

پیشینه پژوهش

زارع رفیع و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با هدف شناسایی و رتبه‌بندی چالش‌های اندازه‌گیری ارزش منصفانه در اجرای استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۱۳^۱ در بانک‌های غیردولتی ایران، از روش تحلیل فراترکیب و تکنیک‌های SWARA و ARAS استفاده کردند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که موانعی مانند زیرساخت‌ها و ساختار نظارتی، رتبه‌بندی ریسک اعتباری، تخصیص منابع ارزی و اعتباری، و حجم مطالبات معوق، از مهم‌ترین چالش‌ها در اجرای IFRS 13 محسوب می‌شوند. در مقابل، استفاده از مؤسسات رتبه‌بندی، ارتقای فعالیت‌های کنترلی، مدیریت ریسک مؤثر، آموزش حسابرسی و رعایت اخلاق حرفه‌ای، به‌عنوان

¹ IFRS 13

راهکارهای مؤثر برای مقابله با این چالش‌ها معرفی شدند. این پژوهش اهمیت تطبیق استانداردهای بین‌المللی با ساختار بانکی داخلی و ارتقای شفافیت و قابلیت اعتماد اطلاعات مالی را برجسته می‌کند.

مهدی‌پور و بزرگمهریان (۱۴۰۳) نیز در مطالعه‌ای دیگر، تأثیر اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و شکاف مالیاتی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به‌عنوان یک سازوکار حاکمیتی، رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران مانند ایجاد شکاف مالیاتی را کاهش داده و اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی این رابطه منفی را تشدید می‌کند. همچنین، استفاده از استانداردهای بین‌المللی برای محاسبه درآمد مشمول مالیات، باعث افزایش انطباق بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات و بهبود شفافیت گزارشگری مالی می‌شود. این مطالعه نشان می‌دهد که اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌تواند به کاهش مغایرت‌ها و افزایش دقت اطلاعات مالی کمک کند.

در پژوهش دیگری که جامعه آماری آن شامل شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار اسپانیا طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ بود و با روش حذفی سیستماتیک ۸۰ شرکت انتخاب شد، اثر انتشار پیش‌بینی سود، فراوانی پیش‌بینی سود و افق زمانی پیش‌بینی بر همزمانی قیمت سهام بررسی شد. نتایج نشان داد که انتشار پیش‌بینی سود هر سهم، فراوانی پیش‌بینی سود و افق پیش‌بینی تأثیر معناداری بر همزمانی قیمت سهام دارند، در حالی که فراوانی پیش‌بینی سود مدیریت تأثیر معناداری بر همزمانی قیمت نداشت. علاوه بر این، بررسی اثر اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس نشان داد که هر دو عامل نقش مثبتی در رابطه بین اجزای پیش‌بینی سود مدیریت و همزمانی قیمت سهام دارند و توان پیش‌بینی مدل را افزایش می‌دهند. این یافته‌ها اهمیت ویژگی‌های حسابرس و اطلاعات پیش‌بینی مالی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بهبود شفافیت بازار سرمایه را برجسته می‌سازد.

در مجموع، این مطالعات نشان می‌دهند که تطبیق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با قوانین و ساختارهای ملی و توجه به کیفیت حسابرسی، نقش کلیدی در افزایش شفافیت، قابلیت اعتماد گزارش‌های مالی، کاهش مغایرت‌ها و ارتقای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارد و بررسی علل مغایرت استانداردهای بین‌المللی حسابداری مالیات بر درآمد با قوانین مالیاتی ایران، از اهمیت علمی و کاربردی ویژه‌ای برخوردار است.

استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی و اهمیت آن

استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی مجموعه‌ای از اصول و قواعد حسابداری هستند که به صورت جهانی تدوین شده‌اند و هدف آن‌ها ارائه اطلاعات مالی شفاف، قابل اعتماد و قابل مقایسه برای سرمایه‌گذاران، مدیران و ذی‌نفعان است. این استانداردها با ایجاد یک زبان مشترک مالی در سطح بین‌المللی، امکان تحلیل دقیق جریان‌های نقدی، بازده و ریسک‌های واحدهای اقتصادی را فراهم می‌کنند و زمینه تصمیم‌گیری بهینه سرمایه‌گذاران را تسهیل می‌نمایند (قاسمی، ۱۴۰۱). اهمیت این استانداردها در ایران، به ویژه در زمینه مالیات بر درآمد، بسیار قابل توجه است، زیرا تفاوت میان سود حسابداری و سود مشمول مالیات می‌تواند باعث ایجاد شکاف مالیاتی شود و اجرای IFRS کمک می‌کند تا این شکاف کاهش یابد و همزمان با افزایش شفافیت و مقایسه‌پذیری، اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی ارتقا یابد.

بنیاد و هیئت استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی

بنیاد استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، سازمانی مستقل و غیرانتفاعی است که وظیفه تدوین، توسعه و نظارت بر استانداردهای حسابداری بین‌المللی را بر عهده دارد. این بنیاد که در ابتدا با عنوان کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۲ در سال ۱۹۷۳ در لندن ایجاد شد، از سال ۲۰۰۱ با نام فعلی فعالیت می‌کند و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۳ زیر نظر آن، مسئول تدوین و انتشار استانداردها است (قاسمی، ۱۴۰۱). وظایف این هیئت شامل ایجاد مجموعه‌ای واحد و با کیفیت از استانداردهای مالی، ترویج استفاده صحیح از آن‌ها و توجه به نیازهای اقتصادهای در حال توسعه و شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشد. منابع اصلی بنیاد IFRS شامل استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۴، استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، تفسیرهای IFRIC و بیانیه‌های کمیته تفسیرها است که هر یک نقش مهمی در افزایش شفافیت و کاهش ابهامات مالی ایفا می‌کنند.

^۲ IASC

^۳ IASB

^۴ IAS

تاریخچه و فرآیند تدوین استانداردها

اولین استانداردهای بین‌المللی حسابداری در سال ۱۹۷۵ توسط کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی منتشر شد و با گذشت زمان، نیاز به هماهنگی و کاهش تفاوت‌ها بین کشورها افزایش یافت، به ویژه در بازارهای سرمایه جهانی که سرمایه‌گذاران به اطلاعات قابل مقایسه و شفاف نیاز دارند (آرمسترانگ و دیگران، ۲۰۱۷). فرآیند تدوین استانداردها شامل شناسایی نیازهای سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان، بررسی استانداردهای ملی، تدوین پیش‌نویس، دریافت نظر کارشناسان و انتشار استاندارد نهایی است. نمونه‌ای از پروژه‌های همگرایی بین‌المللی، همکاری IASB و FASB آمریکا در زمینه ترکیب واحدهای تجاری و انتشار گزارش مشترک برای گروه بیست در سال ۲۰۱۲ است که هدف آن کاهش اختلاف‌ها و همگرایی استانداردها بود (اثنی عشری، ۱۳۸۷).

مدل‌های حسابداری بین‌المللی و تفاوت‌های رویکردها

تحقیقات تطبیقی در زمینه مدل‌های حسابداری بین‌المللی نشان می‌دهد که پنج مدل اصلی در جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند: مدل انگلیسی-آمریکایی، مدل اروپایی، مدل آمریکای جنوبی، مدل اقتصاد ترکیبی و مدل استانداردهای بین‌المللی (حسنی‌القار و همکاران، ۱۳۹۲). مدل انگلیسی-آمریکایی با محوریت نیاز سرمایه‌گذاران و بازارهای سرمایه طراحی شده و اهمیت زیادی برای حرفه حسابداری، استقلال دولت و محتوای اقتصادی اطلاعات قائل است. در مقابل، مدل اروپایی بیشتر بر رعایت قوانین و مقررات دولت و نیازهای مالیاتی تمرکز دارد و رابطه نزدیک واحدهای تجاری با بانک‌ها در آن مشهود است. مدل آمریکای جنوبی، بیشتر جهت‌گیری برنامه‌ریزی دولتی دارد و استفاده مستمر از تعدیلات تورمی و گزارشگری مالیاتی در آن رایج است. مدل اقتصاد ترکیبی حاصل فروپاشی بلوک شرق و ترکیب نظام متمرکز سابق با بازار سرمایه آزاد است و واحدهای تجاری در آن سیستم دوگانه حسابداری دارند. در نهایت، مدل استانداردهای بین‌المللی به عنوان مدلی نوظهور، با تمرکز بر شفافیت، مقایسه‌پذیری و هماهنگی جهانی برای شرکت‌های چندملیتی طراحی شده است.

تطبیق استانداردهای ملی با IFRS و چالش‌های اجرایی

مطالعات نشان می‌دهند که استانداردهای ملی ایران با IFRS در برخی موارد مطابقت دارند، برخی بدون معادل ملی هستند و برخی دیگر اختلاف قابل توجهی دارند (کرمی، ۱۳۹۲). به عنوان نمونه، IFRS 13 درباره اندازه‌گیری ارزش منصفانه، با قوانین مالیاتی ایران اختلاف داشته و اجرای آن مستلزم تغییر فرآیندهای محاسبه مالیات و گزارشگری شرکت‌ها است. این موضوع نشان می‌دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی در ایران،

در کنار مزایای شفافیت و مقایسه‌پذیری، چالش‌هایی در زمینه آموزش، تغییر رویه‌ها و همگرایی با قوانین مالیاتی ایجاد می‌کند.

مزایای به‌کارگیری IFRS و اثر آن بر شکاف مالیاتی

به‌کارگیری IFRS سبب افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ارتقای شفافیت و دقت گزارشگری، کاهش هزینه‌های تطبیق و صرفه‌جویی در زمان و منابع می‌شود (مهام و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، استانداردهای بین‌المللی به عنوان یک سازوکار حاکمیتی می‌توانند رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و شکاف مالیاتی را کاهش دهند و با افزایش انطباق بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات، شفافیت و اعتماد سرمایه‌گذاران را ارتقا دهند. مطالعات اخیر در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهند که اجرای IFRS باعث کاهش اختلاف میان سود حسابداری و مالیاتی و افزایش قابلیت مقایسه و تحلیل اطلاعات مالی شده است (مهدی پور و بزرگمهریان، ۱۴۰۳).

فرضیه‌های تحقیق

- IFRS با درک حساب‌رسان و تحلیل‌گران مالی از معاملات درآمد شرکت‌ها رابطه معنی داری دارد.
- عدم آموزش، آشنا نبودن تهیه کنندگان، استفاده کنندگان اطلاعات مالی با موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.
- عدم وجود رقابت در تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی همه کشورها با موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.
- ساختار و ویژگی‌های فرهنگی خاص کشورها با موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.
- تفاوت‌های موجود بین چارچوب‌های قانونی و حقوقی کشورهای مختلف با موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.
- بالا بودن مخارج همگرایی و هماهنگی و نیز انتقال و اجرای تغییر همچنین توجه کمتر به شرکت‌های کوچک با موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است و با هدف شناسایی و تحلیل موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سازمان امور مالیاتی ایران طراحی شده است. روش توصیفی-تحلیلی به محقق امکان می‌دهد که پدیده‌های موجود در جامعه را به‌طور دقیق بررسی کرده و روابط بین متغیرها

را تحلیل نماید، بدون آنکه در واقعیت‌های موجود دست ببرد. جمع‌آوری داده‌ها بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و پژوهش میدانی صورت گرفت؛ در مرحله اولیه منابع نظری شامل کتاب‌ها، مقالات داخلی و خارجی و پایگاه‌های علمی اینترنتی مورد بررسی قرار گرفت و در مرحله میدانی، داده‌ها با پرسشنامه استاندارد ۳۳ سوالی جمع‌آوری شد.

جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان فعال در اداره کل امور مالیاتی شرق تهران می‌باشد که در واحدهای اجرایی، حسابرسی مالیاتی و دادرسی مالیاتی مشغول به فعالیت هستند و شامل کمک‌میزان، ممیزان، سرممیزان و ممیزان کل است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و از کل ۳۲۰ نفر جامعه، ۱۷۵ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند تا نتایج قابل تعمیم به کل جامعه آماری باشد. این انتخاب تصادفی به تضمین کاهش سوگیری و افزایش دقت نتایج کمک می‌کند.

ابزار گردآوری داده‌ها و ساختار پرسشنامه

ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه پیمایشی بود که شامل دو بخش است:

۱. بخش اول: اطلاعات دموگرافیک آزمودنی‌ها شامل جنسیت، آخرین مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی و پست سازمانی، برای شناخت ویژگی‌های جامعه آماری و تحلیل آماری تفکیکی.

۲. بخش دوم: شامل ۳۳ سوال اختصاصی مرتبط با پنج فرضیه پژوهش است که ابعاد مختلف موانع پذیرش IFRS را مورد سنجش قرار می‌دهد:

- سوالات ۱ تا ۱۰: مربوط به فرضیه اول
- سوالات ۱۱ تا ۱۴: مربوط به فرضیه دوم
- سوالات ۱۵ تا ۱۹: مربوط به فرضیه سوم
- سوالات ۲۰ تا ۲۶: مربوط به فرضیه چهارم
- سوالات ۲۷ تا ۳۳: مربوط به فرضیه پنجم

تمام سوالات در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافق = ۵ تا کاملاً مخالف = ۱) طراحی شدند تا ویژگی‌های کیفی قابل تبدیل به داده‌های کمی و قابل تحلیل آماری باشند.

روایی و پایایی ابزار

برای تضمین روایی (صحت) پرسشنامه، نظرات متخصصین و اساتید مالیاتی مورد استفاده قرار گرفت و ضریب روایی ۰.۸۲ تعیین شد، که نشان‌دهنده قابلیت پرسشنامه برای اندازه‌گیری دقیق موانع پذیرش IFRS است. پایایی (اعتبار) پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد و نتایج اولیه بر اساس ۲۰ پرسشنامه آزمایشی

ضریب ۰.۸۱۲ و نتایج نهایی بر اساس ۱۷۵ پرسشنامه کامل، ضریب ۰.۹۳ را نشان داد، که بیانگر قابلیت اعتماد بالای داده‌ها است.

متغیرهای پژوهش

متغیر اصلی تحقیق، پذیرش کامل IFRS است و متغیرهای وابسته شامل موانع زیر هستند:

- عدم آموزش کافی
 - فقدان رقابت
 - تفاوت‌های موجود بین چارچوب‌های قانونی و حقوقی
 - ساختار و ویژگی‌های فرهنگی
 - توجه کم به شرکت‌های کوچک در تدوین استانداردها
 - فزونی مخارج بر منابع موجود
- متغیرهای تعدیل‌گر شامل سیستم و قوانین مالیاتی کشور می‌باشند که می‌توانند شدت و جهت رابطه بین متغیر مستقل و وابسته را تحت تاثیر قرار دهند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به دو صورت انجام شد:

۱. تحلیل توصیفی: شامل جدول توزیع فراوانی، درصدها، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی برای ارائه تصویری کلی از وضعیت موجود.

۲. تحلیل استنباطی: شامل آزمون t جفت نمونه‌ای برای بررسی فرضیه‌ها و آزمون نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف برای تایید استفاده از آزمون‌های پارامتری.

تمام محاسبات و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Excel انجام شده و سطح معناداری ۰.۰۵ لحاظ گردیده است.

تحلیل داده‌ها

این بخش شامل دو قسمت عمده توصیف داده‌ها و تحلیل داده‌ها است. در قسمت توصیف داده‌ها به توصیف متغیرهای جمعیت شناختی و متغیرهای پژوهش توسط توزیع فراوانی پرداخته شده است. در قسمت تحلیل داده‌ها به بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است. قبل از آزمون فرضیه‌ها، نرمال بودن (توزیع طبیعی داشتن) متغیرهای مورد مطالعه توسط آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای بررسی شد. فرض نرمال

برای تمام متغیرها برقرار بود، بنابراین از آزمون‌های پارامتری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. برای بررسی فرضیات تحقیق از آزمون t جفت نمونه‌ای استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و Excel استفاده شده است و سطح معناداری $0/05$ در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است تمام بررسی‌ها در این فصل بر اساس ۱۷۵ آزمودنی صورت گرفت.

• آمار توصیفی

در این بخش از آمار به توصیف مشخصات دموگرافی افراد نمونه آماری پرداخته می‌شود که شامل جنسیت، تحصیلات، رشته تحصیلی و پست سازمانی می‌شود.

توصیف شاخص‌های جمعیت شناختی

در این از پژوهش، شاخص‌ها و ویژگی‌های دموگرافی آزمون شوندگان، قید می‌گردد.

جدول ۱- وضعیت توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس جنسیت

گزینه ها	فراوانی	درصد	خالص درصد	درصد تجمعی
مرد	125	71.4	71.4	71.4
زن	50	28.6	28.6	100.0
جمع	175	100.0	100.0	

جدول ۲- وضعیت توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس مدرک تحصیلی

گزینه ها	فراوانی	درصد	خالص درصد	درصد تجمعی
کاردانی	8	4.6	4.6	4.6
کارشناسی	71	40.6	40.6	45.1
کارشناسی.ارشد	94	53.7	53.7	98.9
دکتری	2	1.1	1.1	100.0
جمع	175	100.0	100.0	

جدول ۳- وضعیت توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس رشته تحصیلی

گزینه ها	فراوانی	درصد	خالص درصد	درصد تجمعی
حسابداری-حسابرسی	95	54.3	54.3	54.3
اقتصاد	5	2.9	2.9	57.1
مدیریت	60	34.3	34.3	91.4
سایر	15	8.6	8.6	100.0
جمع	175	100.0	100.0	

بررسی فرض نرمال

قبل از بررسی فرضیات تحقیق، نرمال بودن متغیرهای مطالعه مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی فرض نرمال بودن متغیرهای مطالعه از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان دهنده آن است که فرض نرمال بودن برای تمام متغیرها برقرار است ($P > 0/05$). بنابراین از روش‌های پارامتری برای بررسی فرضیه‌های تحقیق استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ذیل آورده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف یک نمونه‌ای برای بررسی پذیرش نرمال بودن

گزینه ها	فرضیه.اول	فرضیه.دوم	فرضیه.سوم	فرضیه.چهارم	فرضیه.پنجم
تعداد	175	175	175	175	175
میانگین	41.7771	15.7543	19.6857	27.7029	29.3086
انحراف معیار	5.23818	2.56685	3.36796	4.03473	4.34790
قطعی	.135	.189	.108	.088	.194
مثبت	.068	.091	.066	.065	.095
منفی	-.135	-.189	-.108	-.088	-.194
آماره Z	1.788	2.502	1.433	1.164	2.569
سطح معنی داری	.073	.323	.333	.133	.180

همانطور که ملاحظه می‌گردد بر اساس نتایج به دست آمده از جدول فوق از آنجا که سطح معنی داری حاصله بزرگتر از $0/05$ است لذا تمام متغیرها نرمال می‌باشند. بنابراین از روش‌های پارامتری برای بررسی فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌شود.

تجزیه و تحلیل فرضیات

۱. آزمون فرضیه اول :

H_0 = به نظر می‌رسد بین عدم آموزش، آشنا نبودن تهیه کنندگان، استفاده کنندگان اطلاعات مالی، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H_1 = به نظر می‌رسد بین عدم آموزش، آشنا نبودن تهیه کنندگان، استفاده کنندگان اطلاعات مالی، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه اول

Sig. (2-tailed)	df	t	Paired Differences					
			95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	
			Upper	Lower				
.000	174	99.791	94.27995	90.62291	.92645	12.25574	92.45143	پذیرش کامل - فرضیه اول

تحلیل :

نتایج حاصل از آزمون t نشان می‌دهد ؛ از آنجا که سطح معنی داری برابر است با ($\text{sig}=0/000$) فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 به تایید می‌رسد به عبارت دیگر بین عدم آموزش، آشنا نبودن تهیه کنندگان، استفاده کنندگان اطلاعات مالی، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

۲- آزمون فرضیه دوم :

H_0 = به نظر می‌رسد بین عدم وجود رقابت در تدوین IFRS از سوی همه کشورها، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H_1 = به نظر می‌رسد بین عدم وجود رقابت در تدوین IFRS از سوی همه کشورها، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه دوم

Sig. (2-tailed)	df	t	Paired Differences					
			95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	
			Upper	Lower				
.000	174	105.112	120.69887	116.24970	1.12712	14.91039	118.47429	پذیرش کامل - فرضیه دوم

نتایج حاصل از آزمون t نشان می‌دهد ؛ از آنجا که سطح معنی داری برابر است با ($\text{sig}=0/000$) فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 به تایید می‌رسد به عبارت دیگر بین عدم وجود رقابت در تدوین IFRS از سوی همه کشورها، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

۳- آزمون فرضیه سوم

H_0 = به نظر می‌رسد بین ساختار و ویژگی‌های فرهنگی خاص کشورها، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود ندارد.

H1= به نظر می‌رسد بین ساختار و ویژگی‌های فرهنگی خاص کشورها، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون فرضیه سوم

Sig. (2-tailed)	df	t	Paired Differences				
			95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean
			Upper	Lower			
.000	174	106.605	116.66351	112.42220	1.07446	14.21377	114.54286

پذیرش کامل -
فرضیه سوم

نتایج حاصل از آزمون t نشان می‌دهد؛ از آنجا که سطح معنی داری برابر است با ($\text{sig}=0/000$) فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 به تایید می‌رسد به عبارت دیگر بین ساختار و ویژگی‌های فرهنگی خاص کشورها، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

۴- آزمون فرضیه چهارم

H. به نظر می‌رسد بین تفاوت‌های موجود بین چارچوب‌های قانونی و حقوقی کشورهای مختلف، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

H1 به نظر می‌رسد بین تفاوت‌های موجود بین چارچوب‌های قانونی و حقوقی کشورهای مختلف، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۸- نتایج آزمون فرضیه چهارم

Sig. (2-tailed)	df	t	Paired Differences				
			95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean
			Upper	Lower			
.000	174	102.349	108.57994	104.47149	1.04080	13.76854	106.52571

پذیرش کامل -
فرضیه چهارم

نتایج حاصل از آزمون t نشان می‌دهد؛ از آنجا که سطح معنی داری برابر است با ($\text{sig}=0/000$) فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 به تایید می‌رسد به عبارت دیگر بین تفاوت‌های موجود بین چارچوب‌های قانونی و حقوقی کشورهای مختلف، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

۵- آزمون فرضیه پنجم

H_0 = به نظر می‌رسد بین بالا بودن مخارج همگرایی و هماهنگی و نیز انتقال و اجرای تغییر، توجه کمتر به شرکت‌های کوچک و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

H_1 = به نظر می‌رسد بین بالا بودن مخارج همگرایی و هماهنگی و نیز انتقال و اجرای تغییر، توجه کمتر به شرکت‌های کوچک و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول ۹- نتایج آزمون فرضیه پنجم

Sig. (2-tailed)	df	t	Paired Differences				
			95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean
			Upper	Lower			
.000	174	105.886	106.87568	102.96432	.99088	13.10806	104.92000

نتایج حاصل از آزمون t نشان می‌دهد؛ از آنجا که سطح معنی داری برابر است با ($\text{sig}=0/000$) فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 به تایید می‌رسد به عبارت دیگر بین بالا بودن مخارج همگرایی و هماهنگی و نیز انتقال و اجرای تغییر، توجه کمتر به شرکت‌های کوچک و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

۵-۴ مقایسه (اولویت بندی) فرضیه‌ها :

H_0 : میزان تاثیر عوامل مختلف یکسان است.

H_1 : حداقل یکی از این عوامل تاثیر بیشتری دارد.

جدول ۱۰- نتایج آزمون تحلیل واریانس فرید من

سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار آماره کای دو	تعداد نمونه	
۰/۰۰۰	۴	۶۵۹.۴۹۷	۱۷۵	مقایسه مولفه‌های مختلف

با توجه به سطح معنی داری بدست آمده ($\text{Sig}=0/001$)، که کوچکتر از سطح آزمون ($\alpha=0/05$) است، فرض H_0 رد می‌شود، بنابراین با ۹۵ درصد (حتی با ۹۹ درصد) اطمینان می‌توان حداقل یکی از این عوامل تاثیر

بیشتری دارد. بر اساس میانگین‌های بدست آمده می‌توان این فرضیه‌ها را به صورت جدول زیر اولویت بندی نمود.

جدول ۱۱- بررسی فرضیه‌های موثر

شماره فرضیه	اولویت	میانگین رتبه ای
۱	اول	۴.۹۹
۵	دوم	۳.۶۶
۴	سوم	۳.۳۲
۳	چهارم	۱.۹۵
۲	پنجم	۱.۰۹

همانطور که ملاحظه می‌شود فرضیه اول و پنجم به ترتیب بیشترین تاثیر (ارتباط) و فرضیه دوم در مرتبه آخر قرار دارد.

مرور چارچوب پژوهش

این پژوهش، به بررسی موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی سازمان امور مالیاتی کشور و ارائه راهکارهای لازم (مطالعه موردی شهر کرمان) پرداخته شد. در فصل اول کلیات تحقیق بیان شد در راستای تحقیق، در فصل دوم، کلیاتی در رابطه با موضوع تحقیق و مبانی نظری فرضیه‌ها و تحقیقات پیشین ارائه شده است. در فصل سوم جامعه آماری، ابزارهای جمع آوری داده‌ها و همچنین روش‌های آماری مورد استفاده برای تحلیل اطلاعات ارائه گردید. در فصل چهارم به توصیف و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از طریق ارسال پرسشنامه پرداخته شده است که شامل ۳۳ سؤال تخصصی بوده است. جهت اندازه گیری نظر آزمودنی‌ها و بررسی موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی که از آنها خواسته شده بود با استفاده از معیارهای درجه بندی کاملاً موافق، موافق، نسبتاً موافق، مخالف و کاملاً مخالف که به ترتیب دارای ارزش‌های ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ هستند، اقدام به پاسخ نمایند. بطور کلی تحقیق حاضر دارای پنج فرضیه می‌باشد که تمامی این فرضیه‌ها در سطح ۹۵٪ مورد آزمون قرار گرفته و فرضیه‌های مطرح شده همگی مورد تأیید قرار گرفتند.

نتیجه گیری

نتایج آزمون فرضیه اول

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که بین عدم آموزش، آشنا نبودن تهیه کنندگان، استفاده کنندگان اطلاعات مالی، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد. در خصوص این فرضیه می‌توان گفت به دلیل عدم آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در دانشگاه‌ها و عدم انتقال کامل مفاهیم و اصطلاحات، هماهنگ سازی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و جهت هماهنگ سازی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، نیاز به زمان کافی جهت آموزش ناشران صورت‌های مالی و تمامی ذینفعان می‌باشد. همچنین به دلیل عدم آموزش در برخی از سازمان‌ها و تحصیل‌کرده‌های حرفه‌ای، هماهنگ سازی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی؛ پایین بودن سطح تخصص و آشنایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی که مانعی در جهت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است. در صورت استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، نیاز به افشای موازی صورت‌های مالی مطابق با استاندارد ملی و بین‌المللی در دوره‌ای از زمان جهت اطمینان از درک کامل ذینفعان وجود دارد. در صورت استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در برهه‌ای از زمان، تغییراتی در نقدشوندگی بازار، در نحوه‌ی افشاء و در میزان مبادلات تجاری رخ خواهد داد که سردرگمی استفاده کنندگان را به همراه خواهد داشت. اصول محوری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مقابل قاعده محوری، به صورتی که جزییات در آن کمتر بیان شده و نیاز به قضاوت در آن بیشتر است، موجب سردرگمی تهیه کنندگان و استفاده کنندگان صورت‌های مالی را در برهه‌ای از زمان به همراه خواهد داشت. دیدگاه برخی از اعضای حرفه‌ی حسابداری در خصوص عدم نیاز با هماهنگ سازی و در نتیجه اجتناب از آن، مانعی جهت استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشور می‌باشد. دیدگاه برخی از اعضای حرفه‌ی حسابداری که هماهنگ سازی را به معنی چیرگی و تسلط مدل‌های آمریکایی-انگلیسی بر دنیا می‌دانند، مانعی در جهت استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشور می‌باشد. عدم مشاهده‌ی منافع حاصل از استانداردهای بین‌المللی در سال‌های ابتدایی هماهنگ سازی، می‌تواند مانعی در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باشد.

نتایج آزمون فرضیه دوم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که بین عدم وجود رقابت در تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سوی همه کشورها، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد. به دلیل اینکه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مطابق با علایق خاص سیاسی و اقتصادی کشورهای پیشرفته تالیف شده است که این امر مانع از شکل‌گیری رقابت در تدوین استانداردهای حسابداری می‌شود. بین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و اصول پذیرفته شده حسابداری آمریکا مطابقت وجود دارد، زیرا اولی تحت تاثیر دومی قرار گرفته، و در نتیجه موجب افت کیفیت فرآیند تدوین استانداردها شده است. تشویق کشورهای در حال توسعه به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، شروعی برای ترویج سایر استانداردها است، که این امر مانع از شکل‌گیری رقابت در تدوین استانداردهای حسابداری می‌شود. تشویق کشور جهان سوم، صرفاً به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، بدون هیچگونه مشارکتی در تدوین آن، مانع از شکل‌گیری رقابت در تدوین می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه سوم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که بین ساختار و ویژگی‌های فرهنگی خاص کشورها، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد. به دلیل موانعی همچون ملی‌گرایی در ایران؛ به این معنی که کشور در پذیرش قوانین نظام‌های بین‌المللی محتاط باشد، فرهنگ فردگرایی و نیز فاصله قدرت در کشور؛ گریز از نامعلومی و غالب بودن صفات مردانه در محیط کسب و کار کشور؛ تفاوت در آیین، تاریخ، دین و فرهنگ؛ و غرور ملی در کشور، مانعی در جهت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است.

نتایج آزمون فرضیه چهارم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که بین چارچوب‌های قانونی و حقوقی کشورهای مختلف، و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد. هیئت تدوین استانداردها، در تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، محیط اقتصادی و چارچوب‌های حقوقی و قانونی تمام کشورها را در نظر نگرفته است. تهیه گزارش‌های قابل مقایسه میان واحدهای تجاری در صنعت و اقتصاد ایران بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، امکان‌پذیر نبوده، چراکه محیط فعالیت ایران از نظر قوانین و شرایط اجتماعی-سیاسی حاکم با سایر کشورها فرق می‌کند. پذیرش استانداردهای بین‌المللی

گزارشگری مالی، باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران با اطمینان بیشتر و بدون توجه به چارچوب حقوقی و قانونی و روابط اجتماعی و سیاسی حاکم در کشورها، تصمیم‌گیری نمایند. برخورد دوگانه در ارائه اطلاعات مالی ارائه شده در اظهارنامه مالیاتی و صورت‌های مالی، بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را با محدودیت مواجه می‌کند. در کشور ما، قوانین و مقررات بر استانداردهای حسابداری مقدم هستند، لذا هماهنگ سازی و همگرایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، با محدودیت مواجه خواهد بود. وضع مالیات بر سودهای تحقق نیافته ناشی از استفاده از ارزش منصفانه (بازار)؛ تعیین برخی از رویه‌های حسابداری در قوانین کشورمان (مانند نحوه‌ی حسابداری تسعیر ارز در قانون محاسبات عمومی و یا نحوه‌ی محاسبه‌ی استهلاک و هزینه‌های تاسیس در قانون مالیات‌های مستقیم و...) مانع به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است.

نتایج آزمون فرضیه پنجم

نتایج حاصل از آزمون فرضیه پنجم نشان می‌دهد که بین بالا بودن مخارج همگرایی و هماهنگی و نیز انتقال و اجرای تغییر، توجه کمتر به شرکت‌های کوچک و موانع پذیرش کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد. وجود دلایلی همچون هزینه‌های بالای تغییر برای شرکت‌های بزرگ و بانک‌های کشور؛ هزینه‌های انتقال از استانداردهای گزارشگری ملی به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و هزینه‌های اجرای آن بالا خواهد بود. هماهنگ سازی با پیچیدگی‌های استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیاز به صرف زمان زیادی خواهد داشت. وجود تعداد بسیاری از شرکت‌های کوچک با کمبود منابع که توان پرداخت هزینه‌های انتقال را ندارند، تقاضا جهت استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. (فزونی مخارج بر منافع را به همراه خواهد داشت) هزینه‌های آموزش در سطح شرکت‌ها و حساب‌برسان و کاربران اطلاعات مالی، در جهت استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بالا خواهد بود. پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، برای اکثر شرکت‌هایی که صرفاً عضو بورس اوراق بهادار کشور خود هستند و فعالیت جهانی ندارند، ممکن است پیامدهای مطلوبی به همراه نداشته باشد. استانداردهای تدوین شده توسط هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، برای شرکت‌های بزرگ (با توان رقابتی بالا- دارای سهم بزرگ از بازار) و شرکت‌های کوچک (با توان رقابتی پایین- دارای سهم ناچیز از بازار)، یکسان در نظر گرفته شده است.

بحث و بررسی (مقایسه مدل‌های مختلف گزارشگری مالی)

رویکردهای مختلفی برای طبقه بندی سیستم‌های حسابداری در مطالعات تطبیقی حسابداری به کار گرفته شده است. اما در جمع بندی تحقیقات انجام شده در زمینه مدل‌های مختلف حسابداری و عوامل محیطی موثر بر آن، پنج مدل عمده حسابداری در سطح بین‌المللی به شرح زیر شناسایی شده است:

۱- مدل انگلیسی - آمریکایی (آنگلوساکسون)

آمریکا، انگلستان و هلند، پیش‌آهنگ این گروه هستند. از مشخصات این مدل، می‌توان به این موارد اشاره کرد: حسابداری در این کشورها در راستای نیازهای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان جهت‌گیری شده است، این کشورها، بازارهای سرمایه بزرگ و توسعه یافته دارند، سطح آموزش در آنها بسیار بالاست و استفاده کنندگان اطلاعات مالی از خبرگی و مهارت بالایی برخوردارند.

۲- مدل کنتینتال

کشورهای اصلی این گروه، کشورهای قاره اروپا و ژاپن هستند. واحدهای تجاری در این کشورها، رابطه بسیار نزدیکی با بانک‌ها (که تامین کننده نیازهای سرمایه‌ای آنها هستند) دارند. حسابداری مالی، جهت‌گیری قانونی داشته و شیوه‌های عمل حسابداری گرایش به محافظه کاری زیاد دارد. در این کشورها، حسابداری معمولاً طوری طراحی می‌شود که الزامات وضع شده به وسیله دولت (نظیر محاسبه مالیات) را برآورده سازد. و یا نشانه مطابقت عملکرد تجاری در سطوح خرد، با برنامه‌های اقتصاد کلان دولت باشد.

۳- مدل آمریکای جنوبی

این مدل، بیشتر کشورهای آمریکای جنوبی را در بر می‌گیرد. آنچه این مدل را از دو مدل قبل متمایز می‌کند استفاده مستمر از تعدیلات تورمی است. به طور کلی در این مدل، جهت‌گیری حسابداری به سوی نیازهای برنامه ریزان دولتی است و یکنواختی بر واحدهای تجاری تحمیل می‌گردد. علاوه بر این، حسابداری مالی اغلب برای گزارشگری مالیاتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴- مدل اقتصاد ترکیبی

فروپاشی بلوک شرق پس از وقایع سیاسی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۹، در اروپای شرقی و شوروی سابق، یک مدل حسابداری خاص محیط خود را ایجاد کرد. این مدل، از یک سو در صدد پاسخگویی به بقایای برنامه ریزی و کنترل اقتصادی بسیار متمرکز (مربوط به سیستم سیاسی سابق) و از سوی دیگر، به دنبال پاسخگویی به فعالیت‌های موسسه‌های دارای گرایش اقتصاد آزاد است. در کشورهای استفاده کننده از این مدل، موسسات

معمولاً در قالب سیستم‌های دو گانه عمل می‌کنند. یک سیستم شدیداً تکیه بر سرفصل متحدالشکل حسابها و بودجه و اعتبارات دارد تا از این طریق برای مدیرانی اطلاعات فراهم کند که با سیستم اقتصاد دستوری قبل از فروپاشی کمونیسم آشنایی دارند و سیستم دیگر به سوی بازارهای سرمایه داری جهت گیری کرده و تلاش می‌کند تا به مدل حسابداری آنگلو ساکسون (با تاکید خاص بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری) نزدیک شده و برای استفاده کنندگان کشورهای سرمایه داری اطلاعات فراهم کند.

۵- مدل استانداردهای بین‌المللی

مدل استانداردهای بین‌المللی را می‌توان یک مدل نوظهور و متمایز از چهار مدل قبل دانست که ریشه‌های آن در تلاش جهت هماهنگی حسابداری مالی در سطح بین‌المللی (خصوصاً شرکت‌های چند ملیتی و مشارکت کنندگان بازارهای مالی جهانی) نهفته است. انتظار می‌رود با جهانی شدن بازارهای سرمایه، حرکت در جهت گسترش استانداردهای بین‌المللی تسریع شده و مدل‌های مختلف به سمت همگرایی بیشتر حرکت کنند. در شرایط کنونی و با گسترش بازارهای سرمایه جهانی چنین به نظر می‌رسد که مدل حسابداری بین‌المللی از اهمیت بیشتری برخوردار گشته است. پروژه مشترک هیات استانداردهای حسابداری مالی^۵ و هیات استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۶ نیز، خود می‌تواند تاییدی بر این ادعا باشد.

پیشنهادهای براساس یافته‌ها

در راستای این پژوهش، راهکارهای اجرایی زیر توصیه می‌گردد:

- تشکیل کمیته‌ای مرکب از نمایندگان نهادهای حرفه‌ای مانند سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی، سازمان بورس، سازمان مالیاتی، نمایندگان صنعت، انجمن‌های حرفه‌ای و... برای تکمیل نقشه راه، انجام هماهنگی‌های لازم و پیاده سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی.
- آغاز اجرای مصوبه با ارائه صورتهای مالی براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط شرکت‌های بزرگ که دارای تخصص و امکانات کافی هستند.
- آموزش ناشران، حسابرسان، سرمایه‌گذاران و دانشجویان و آشنا کردن آنها با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از ارکان اصلی گرایش به سمت این استانداردها می‌باشد که باید در مرحله گذار با جدیت انجام پذیرد. همچنین، باید در بحث آموزش موضوع استانداردهای بین‌المللی حسابداری به سرفصل دروس اضافه شود.

^۵FASB

^۶IASB

• ترجمه استانداردهای بین‌المللی یکی از مهم‌ترین ارکان تصمیم یک کشور برای پذیرش این استانداردها است. کشورهایی که این استانداردها را پذیرفته یا رعایت آنها را مجاز دانسته‌اند، تنها در صورتی خواهند توانست از قابلیت مقایسه و شفافیت اطلاعاتی ناشی از بکارگیری این استانداردها بهره‌مند شوند که این استانداردها به طور صحیح و کامل به زبان رسمی آن کشورها ترجمه شود.

منابع

- احمدیان، حامدی، نامور. (۱۴۰۲). تأثیر اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر قابلیت مقایسه گزارشگری مالی: شواهد فراتحلیلی. حسابداری مدیریت، ۱۶(۵۶)، ۱۲۷-۱۵۱.
- جمالی، مجتبی و رحیم بنایی قدیم، (۱۳۹۷)، بررسی روند رشد رعایت اصول و قوانین در محتوای گزارشات حسابرسی مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و هفتمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- زارع رفیع، تقی نتاج ملک‌شاه، غلامحسین، جهان‌شاد، آزیتا، حیدر پور، فرزانه. (۱۴۰۳). شناسایی و رتبه‌بندی چالش‌های (تعیین) اندازه‌گیری ارزش منصفانه در اجرای استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۱۳ (IFRS 13) در بانک‌های غیر دولتی ایران با استفاده از تحلیل فراترکیب و روش سوارا و ارائه راهکار به کمک تکنیک آراس. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۳(۵۲)، ۹۲-۶۳.
- طهرانچیان، مهدی؛ یونس یادآورنهدی و میرحافظ امیرآزاد، (۱۳۹۷)، بررسی ویژگی‌های موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و هفتمین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، تهران، شرکت همایشگران مهر اشراق.
- علی لعلبار، فاطمه صالحی. (۱۴۰۳). تحلیل و تأثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی IFRS. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۷(۲۷)، ۲۷۷-۲۸۶.
- ملکی اسکویی، ملک تاج، سالاری نژاد. (۱۴۰۳). امکان‌سنجی ایجاد همگرایی در گزارشگری مالی اسلامی با استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی. حسابداری، حسابرسی و تأمین مالی در محیط‌های اسلامی.
- مهدی پور، بزرگمهریان، شاهرخ. (۱۴۰۳). تأثیر اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و شکاف مالیاتی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۴(۵۳)، ۱۶۹-۱۸۶.
- Alsughayer, S. A. (2021). Impact of auditor competence, integrity, and ethics on audit quality in Saudi Arabia. *open Journal of Accounting*, 10(4), 125-140.
- Cameran, M., Campa, D., & Francis, J. R. (2022). The relative importance of auditor characteristics versus client factors in explaining audit quality. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 37(4), 751-776.
- Earnhart, D., & Harrington, D. R. (2021). Effects of audit frequency, audit quality, and facility age on environmental compliance. *Applied Economics*, 53(28), 3234-3252.
- Jadiyappa, N., Hickman, L. E., Kakani, R. K., & Abidi, Q. (2021). Auditor tenure and audit quality: an investigation of moderating factors prior to the commencement of mandatory rotations in India. *Managerial Auditing Journal*, 36(5), 724-743.

- Rautiainen, A., Saastamoinen, J., & Pajunen, K. (2021). Do key audit matters (KAMs) matter? Auditors' perceptions of KAMs and audit quality in Finland. *Managerial Auditing Journal*, 36(3), 386-404.
- Rose, A. M., Rose, J. M., Rotaru, K., Sanderson, K. A., & Thibodeau, J. C. (2022). Effects of data visualization choices on psychophysiological responses, judgment, and audit quality. *Journal of Information Systems*, 36(1), 53-79.

Investigating the Causes of Inconsistencies between International Income Tax Accounting Standards and Tax Laws in Iran

Siamak Rahiminejad

Department of Management, Electronics Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

In today's world, where the global economy has reached a level beyond the "global village" and has become a "financial supercity", the need for a common financial language to facilitate commercial transactions and transparency of financial information is felt more than ever. Accounting, as this common language, plays a key role in creating transparency and financial accountability. In Iran, although taxation on economic activities has a long history, challenges such as tax evasion still exist, which are caused by considering taxes as a government tribute and the lack of a proper tax culture among the general public. However, after the JCPOA agreement, the need to adopt International Financial Reporting Standards (IFRS), especially in the area of income tax and its disclosure, has become more important. Before 2002, financial statements in Iran were mainly prepared based on tax laws, but with the mandatory implementation of accounting standards, companies were required to present financial reports in accordance with these standards. Since the objectives of international accounting standards and tax laws are different, it seems natural that there will be discrepancies between these two systems. This study aimed to investigate the factors affecting the creation of these discrepancies in Iran and tries to provide solutions to reduce these discrepancies. The results of the t-test showed that the significance level of all research hypotheses is equal to $\text{sig} = 0.000$, which indicates a significant relationship between various barriers and the adoption of International Financial Reporting Standards (IFRS) in Iran. Specifically, lack of adequate training (with an average of 3.95), lack of competition (with an average of 3.82), differences in legal and regulatory structures across countries (with an average of 4.12), insufficient emphasis on small companies in standard setting (with an average of 3.76), and high costs of implementing IFRS (with an average of 4.05) are among the most important obstacles identified in this study. Accordingly, strengthening the interaction between the Audit Organization as the accounting standards-setting body and the Tax Affairs Organization as the tax regulations-setting authority can help reduce discrepancies and resolve many problems between taxpayers, the Tax Affairs Organization, and independent auditors.

Keywords: Financial Reporting, Tax Laws, Standards Inconsistency, IFRS